

عوامل سیاسیت دوگانه پاکستان!

(در ارتباط مصاحبه تلویزیونی آقایون صالح و اتمر)

نبض حوادث درکشور و منطقه به شدت می تپد که همه روزه باید نوشت، اظهار نظر کرد و بر مسایل تماس گرفت. درین سلسله ضرورت جدی نیز احساس کردم که اگر نره بین را گرفته و از پیشنازان جامعه انتقاد میکنیم و نواقص برمیچنینم و در نظر اول به رُخ میکشیم، برماست تا حرکات و مواضع خیر و مثبت ایشان را نیز تقدیر، یادآوری و پشتیبانی نماییم. به رهروان حق دست یاری دراز کنیم و به کجروان و کجروی ها مبارزه کنیم. خلص اینکه دستور حدیث پیامبر را نباید فراموش کرد که ساکت از گفتن حق شیطان گنگ است (الساکت عن الحق شیطان اخرس). میخواستیم در مورد عنوان فوق قبلاً نوشته و بحث مستقل داشته باشیم، اما به علت طویل بودن موضوع و اینکه اگر به یک جانب این موضوع عریض و طویل که تراژیدی ملت ما به آن ارتباط دارد، متمرکز شوم، جانب دیگر قضیه را نه گویم، ادای رسالت کامل نه خواهم کرد، بحث را طویل و عریض خواهم ساخت. به این ترتیب از پالیسی های نشراتی بخش از رسانه ها بیرون خواهم شد و از جانب دیگر موجب نکوهش خواننده آشفته و دلنگام امروز خواهم گردید. و بلاخره به صورت اتومات در تقسیم بندی ها و خط کشی های قبلاً کشیده شده، جا بجا خواهم شد. اما میبینم که حوصله کرده نتوانستم و با وجود تمام این فشارها به نوشتن این سطور میپردازم.

درین ارتباط میخواهم مستدل ارایه بدارم که عوامل عینی برخورد دوگانه پاکستان در قبال افغانسان و جهان ناشی از ماهیت پاکستان است و در چوکات آن ماهیت پاکستان چنین است که دیگر کرده نمی تواند. منافع استابشمنت و جزالان پاکستان ایجاب میکند که پاکستان همان گونه دو رویه عمل کند که تا حال در برابر مردم، ملت، کشور ما و امر صلح منطقه و جهان کرده است.

قبل از همه موضع جناب امر الله صالح و جناب اتمر درین مصاحبه زنده تلویزیونی (تلویزیون طلوع و تلویزیون اکسپرس) با جانب پاکستانی، یک موضع افغانی، وطنی ایشان بود و در ۹۰ فیصد موارد، قابل ستایش و پشتیبانی اند. میخواهم بگویم که پیشنازان و غم خواران جامعه و کسانی که در دلهای مردم جای میگیرند همین مواضع و برخوردشان به مسایل است که مردم آنها به گوشت و پوست خویش احساس میکنند و ارتباط هزاران قربانی داده اند. درین مواضع جنابان صالح و اتمر هست معین از مواضع که به آن موافق بوده نمی توانیم و این دید و تأکید برآن را روش غیر دیموکراتیک دانسته و آنها درحق و واقعیت زنده تلخ و شیرین کشور ما یعنی موجودیت و روش با دیگران و یا مخالفین سیاسی و از جمله حرکت طالب موجه نمی دانیم. از مصاحبه و افاده های آقایون صالح و اتمر چنین برداشت میشود که هنوز درک نه کرده اند که صلح و استقرار پایدار دریک جامعه تا زمانی برقرار شده نمی تواند، که درستیح سیاسی یک کشور نیروهای واقعی موجود در جامعه از طرق مشروع، نه از طرق معامله و تقسیم غنایم، نماینده داشته باشند. ضرورت است تا ستیح سیاسی کشور و خلاهای آن از طرق مشروع پُرگردد.

حرکت طالب افغانی، حزب اسلامی و مانند جزء واقعیت جامعه نه کل آن، وجود دارند و باید با دفاع از مواضع و نسخه هایکه ما به آن معتقدیم به دیگر جوانب افغانی به شمول حرکت طالب افغانی، نیز حق قایل شویم که بخاطر مشروعیت تطبیق نسخه های خویش، در انتخابات آزاد، حق مشروعیت نسخه های خویش را به شمول مثلاً حتی تحقق امارت اسلامی، را داشته باشند.

صلح و کار برای صلح و تفاهم نیک سیاسی به صورت حتمی تلاش برای بی هویت ساختن دیگران، بمعنی موافقه به نسخه دیگران، ساختن و ایجاد ائتلاف و جبهه با ایشان نیست و هم دادن مشروعیت برای دیگران و تقسیم غنایم نیست. این حق قایل شدن بمعنی توافق براین است که زندگی سیاسی را متمدن سازیم، بجای تفنگ، منطوق، ملت و انتخاب ملت و ملت مسلمان افغان اساس قرار گیرد. این توافقات ابتدایی توافق براین است که به هیچ چیزی اساسی در غیاب ملت و به جای ملت در کنفرانس های و معاملات درهای بسته توافق نکرده و به این ترتیب و این معامله حق ملف را تلف و اجحاف نمی کنیم.

توافق برین که نسخه و راه بیرون رفت خویش را به ملت پیشکش نموده و در انتخاب ملت که در عالم اسباب و اختیار انسان در روشنی هدایت خیر و رساندن حقایق و سفارش انتخاب خوب، در میان میگذاریم و میگذاریم که ملت انتخاب کند. این روش است که در آن ملت سخن اصلی را داشته باشد. روش شفاف و روشنیکه حتی حرکت سیاسی که ملت آنها انتخاب نه کرده، به این باور پیدا کند معترف شود و باور داشته باشد که در انتخابات آزاد و شفاف، ملت نسخه من و درین حالت تعبیر من را از دین نه پذیرفت.

اکثریت ملت افغانستان مسلمان است و مسلمان پیرو رهنمایی عالم دین و اسلام است و به انتخاب ملت و اسلام ملت باید باور داشت.

بلی در عالم اسباب، رسیدن شرع و حکم الهی به کسی، عقل سلیم و فهم عدم وجبیه ما، که حتماً باید دیگران را به جنت ببریم، مختصرات اند که تعمق در آن، ما را درین بخش، در موضع (انشاء الله) درست قرار میدهد.

باید زمینه ایجاد کرد و توافقات مقدماتی صورت گیرد که اکثریت حاکمیت کند و حقوق اقلیت تأمین باشد.

این نه به گریه، نه به پرخاشگری، نه به ایجاد تشنج با کشور های بزرگ و نه با عجله مضر و خراب کننده ونه با تناقض گویی ها صورت گرفته میتواند. بعد از سقوط نظام ها و حاکمیت ها کمونیستی از برکت مبارزات و جهاد مردم افغانستان بیانه های و اظهارات بخش از حکما و حکومتی های دست اول را در تلویزیون ها می گذاشتند و مردم با دیدن و شنیدن چرندیات و محدودیتهای فکری شان، ساعتها میخندیدند و تأسف داشتند که این بود زمامداران و حکمای ما و این بود طرز تفکر محدود و نادرست شان. اما رهبران هم بودند که افاده و تحلیل های شان وارد و موجه بود و مردم به آنها و سرنوشت شان تراژیک شان که قربانی صداقت خویش به ملت و وطن شدند افسوس دارند و افسوس میخورند.

لذا مصالحه سیاسی به در نظر داشت ملاحظیات و فهم درست از عمق و بُعد آن بادر نظر داشت جوانب که در بالا متذکر شدم، باید همیشه در سرخط کلام و مواضع ما قرار داشته باشد.

مصالحه سیاسی خیانت به آرمانها نیست، مصالحه سیاسی خیانت به خون شهدا و ارمانهای آنها نیست، مصالحه فریب و تلاش برای جذب و اضمحلال دیگران در خود هم نیست.

در صحبت های جناب اتمر و جناب صالح درین بحث زنده تلویزیونی افغانستان و پاکستان به این جانب قضیه کمتر و یا اصلاً توجه صورت نه گرفت. چیزیک پاکستان نمی خواهد. پاکستان نمی خواهد آله دست خواسته و نا خواسته خویش را از دست بدهد. درست نه خواهد بود ما با مواضع احساساتی نا خود آگاه، آب به آسیاب دشمن بریزیم. این برخورد تأثیر معکوس (کنترا پرودکتیف) دارد.

سخن و مطلب دیگر بس مهم که درین راستا برای جناب اتمر گفتنی هستم، این است که جناب اتمر از جانب پاکستانی خواست تا مطالبات خویش را از جانب افغانی مطرح کنند و اظهار داشتند که در جانب افغانی اراده سیاسی کافی برای برآورده شدن آن وجود دارد و جانب افغانی نیز می خواهد تا جانب پاکستانی نیز چنین کند و گویا صلح قایلیم شود. و..... می خواهم برای جناب اتمر روشن سازم که این مانند یک آرزو و خیال حالت و آرزوی بد نیست. اما باید دانست و بلاخره باید دانست که مطالبه پاکستان را در ابتدای این نشست جنرال دورانی رئیس ای اس ای (۱۹۹۰-۱۹۹۲) گفت و اظهار کرد و ما عمق مطالبات پاکستان را از افغانستان و جهان میدانیم و من مطالبات و خواسته های پاکستان را به نحوی برای شما باز تکراراً بخوانش میگیرم:

پاکستان همان صلح را در افغانستان می خواهد که: در نتیجه آن «دیورند لاین» رسماً از جانب افغانی اعتراف گردد و جنرال درانی آنرا نیز در آغاز کلام خویش گفت: جانب پاکستانی توقع دارد و می خواهد که جانب افغانی و جهان برای پاکستان در آینده افغانستان حصه و سهم قایل شوند همان سهم راکه در دوران جنگ سرد به پاکستان وعده داده بودند. پاکستان می خواهد در افغانستان همان حاکمیت قایلیم شود که پاکستان از آن احساس خطر نه کند، به حضور هند در افغانستان پایان داده شود، حد اقل قسمت های پشتون نشین افغانستان به پاکستان ملحق شوند، پاکستان از طریق افغانستان به آسیای میانه دست باز رفت و آمد داشته باشد، افغانستان با جهان مانند سه دهه اخیر قرن ۲۰ از طریق و چینل های پاکستانی در تماس باشد و جهان با افغانستان از طریق پاکستان در تماس باشد و مانند سه دهه اخیر به حساب خون و سر مردم افغانستان جیب های جنرالان پاکستانی پُر شود.

در افغانستان شخصیت به قدرت نه رسد که منافع و مصالح افغانی را بر منافع خارجی و پاکستانی بالاتر بداند و

.....
از آقای اتمر میپرسم: آیا در جانب افغانی چنین اراده سیاسی برای قبول این خواسته های پاکستان وجود دارد. آیا جانب افغانی میتواند این خواسته های پاکستان را برآورده سازد؟ مسلماً که نه! و هر حاکمیت چنین کند سرنوشت اش به سرنوشت شاه شجاع مواجه خواهد شد. لذا پیشنهاد و خواست جناب اتمر از جانب پاکستان که از افغانستان چه می خواهند که جانب افغانی عملی کند، یک خواست برای یک افغان و اولاد صالح این وطن غیر قابل پذیرش است. پاکستان برای تحقق اهداف فوق به وسیله مشروع و نامشروع کار میکند و شواهد زیادی غیر قابل انکار برای اثبات این حقایق، تلاشها و مواضع پاکستان، وجود دارد.

شواهد زیاد نشان میدهد و تصادفی نیست که متصل نشست لندن سران افغانستان و پاکستان (جناب زرداری و جناب ح کرزی) از منابع نزدیک به مراجع پاکستانی خبرها و آوازه ها پخش شد که بلاخره خط «دیورند لاین» هم برسمیت شناخته شد! در حالیکه چنین نه شده بود و جانب افغانی اصلاً ازین موضع که در نشست لندن مطرح شده باشد اظهار عدم آگاهی کرد و در قطعنامه این نشست نیز در ارتباط چیزی وجود نداشت و جانب افغانی و اشتراک کننده گان این نشست چنین خبر را کاملاً رد کردند.

اما بقیه اسناد تهیه شده و قطعنامه این نشست از قدم های بزرگ به جانب صلح در شش ما آینده و از جمله از نشست سران حرکت طالب (شورای کویته) با حکومت کابل خبر میداد. محاسبات معین چنین نشان میدهد که جانب پاکستانی

مطابق آمادگی های قبلی خویش به وساطت لندن بر جانب افغانی خط «دیورند لاین» را برسمیت می‌شناسد و جانب پاکستانی نیز قیمت آنرا در مقابل با پرداخت مال به نام (شورای کویت) به جانب افغانی در شش ماه معامله میکند. انکشاف متصل بعد از این نشست نشان داد که بزرگترین دست آورد این نشست از جانب خاتم حنا کهر ربانی وزیر خارجه پاکستان مطابق سناریوی قبلاً تهیه شده همانا تشکیل کمیته سرحدی (باردرمنجمنت کمیته) افغانستان و پاکستان خوانده شد و باوجود اینکه در حدود بیش از ۲۶۴۰ کیلو متر خط همجوار و دارای منازعه و ۳۶۵ معبر دارد. درین حالت چطور میتوان مسأله عبور و مرور با کنترل پاسپورت را در بعضی از این معبرها به مسأله امنیت ارتباط داد؟ این موضع و این برخورد و تجویز، باشدیدی ترین کلمات از جانب مجامع افغانی خاصاً انطرف خط «دیورند لاین» همراه با انزجار رد شد. این روش یکبار دیگر عمل فریبکارانه، تمسخر، دست کم دانستن، چالاکي و فتنه پاکستانی بود که در طول تاریخ خویش در برابر افغانستان و جهان بکار برده است.

مسلم اینکه پاکستان به صورت غیر مشروع در سرزمین بیگانه ۶۵ سال قبل برای اهداف شوم استعماری بوجود آمد. نام پاکستان در لندن توسط شخص انتخاب گردید که بعداً جایگاه دفن خویش را نیز در پاکستان نیافت و عوض تقسیم هند در سال ۱۹۴۷م، قسمت اعظم خاک افغانستان را که انطرف «خط دیورند» وجود دارد، به پاکستان به صورت یکجانبه و تهدید، هدیه کردند و به این ترتیب بر پیکره افغانستان واحد، چنان کارد خونین و زخم وارد کردند که خون مهلک از آن تا حال می چکد. پاکستان چیزی دیگری جزء تروریزم برای صدور ندارد.

مطابق به وضع آنزمان یک خط فرضی «دیورند لاین» و یک هم خط اداری هند وجود داشت. در سیستم اداری هند برتانوی در آن وقت و آن هم به صورت غیر مشروع صرف بخش از مناطق دیره جات و پیشاور شامل بود، که بعد از تقسیم هند، در صورت تقسیم هند مناطق داخل سیستم اداری هند میتوانست جز پاکستان بودن مطرح میشد، نه مناطق افغانستان. بر علاوه این سر تیمار دیورند، وزیر خارجه انگلیس برای هند برتانوی در یادداشت های خویش که به نشر رسانیده، جانب شرقی خط فرضی «دیورند لاین» را جزء قلمرو هند برتانوی نمی دانست. صرف آنرا خط فرضی و حد فاصل ساحه نفوذ انگلیس و امیر افغانی میدانست. مناطقی که اگر جانب امیر افغانی در آن عملیات نظامی میکند، به جانب انگلیس و جانب انگلیس اگر عملیات میکنند به جانب افغانی خیر دهند.

خط دیورند «دیورند لاین» که افغانها حتی نام آنرا خارجی گذاشته و از خود نمی دانند، خط فرضی بوده، که تمام اسناد آن با متن انگلیسی، توسط انگلیس ها تهیه شده و با التیماتوم نزد امیر به طور گذاشته شد و گفته شد: یا امضاء و یا هم نیرو های نظامی ما به صورت فزیکي در هرات و جانب شرقی حضور یافته اند و به جنگ علیه شما آغاز خواهند کرد. قیام های از جانب انگلیس نیز علیه امیر سازمان دهی شد و امیر که سرنوشت تراژیک امیر شیر علی خان و امیر دوست محمد خان را میدانست، به قبول یک چیز مجهول، مجبور ساخته شده (۲ نوامبر ۱۸۹۳ م). سند یکه (نقشه) ضمیمه آن حتی در سه سال بعد (تا ۱۹۹۷م) نیز نهایی نه شد. امیر در موارد زیادی اعتراض داشت که این همان نقشه فرضی نیست که برای وی از جانب سر تیمار دیورند در ابتداء نشان داده شده بود. این تفاهنامه بر علاوه کم و کاستی های میدی پروسیجری از طرف پارلمان های افغانی نه تنها که تصویب (راتیفیکشن) نه شده بلکه در شورای هفتم این سند با سه سند دیگر آن کاملاً ملغی و فسخ پنداشته شد. این آخرین میخ بود که بر تابوت این تفاهنامه های کوبیده و باطل شناخته شد. و

پاکستان این همه را میداند و میداند که خط دیورند «دیورند لاین» دیفکتو (درواقعیت) و دیوره (از لحاظ حقوقی) مشروعیت ندارد.

پاکستان میداند که در محاکم و مراجع بین المللی در صورت موجودیت حاکمیت ملی در افغانستان و استقرار در منطقه توان مقابله به غیر مشروع بودن خط مذکور را ندارد. پاکستان میداند که در صورت صلح و آرامش لازم وضع به ضد وی باز خواهد گشت.

پاکستان تصادفی تلاش ندارد تا افغانستان از خود اردو و قوای امنیتی ملی نداشته باشد.

پاکستان میداند که چرا باید حکومت افغانی باید دست نشانده پاکستان باشد.

در همجواری پاکستان همان میکند و همان خواهد کرد که تاحال کرده و دیگر نه خواهد شد. فریب، و ادامه سیاست دورویه و تفرقه و حاکمیت سیاست دوگانه.

تصادفی نیست که پاکستان در یازده سال گذشته اولاً به پشتون های انطرف سرحد و جهان میگفت که در افغانستان حقوق پشتون ها تلف است و حالا به اقوام دیگر افغانی روابط بس تنگاتنگ استخباراتی و تمولی دارد و به تفرقه های قومی در افغانستان دامن میزند و عده مزدور و معذور افغانی نیز درین راستا قربانی و در خدمت اهداف پاکستانی قرار گرفته اند. چیزی که جناب امرالله صالح نیز آنرا دقیقاً ارزیابی کردند.

تصادفی نیست که پاکستان میخواهد گروه ها، احزاب و شخصیت های؟! را در افغانستان مسلط ساختن میخواهد که بعداً در خدمت پاکستان قرار گیرند.

تصادفی نیست که پاکستان همان گروه های متعصب را در شمال کشور مساعدت کرد و میکند که بتوانند سیاست تفرقه بانداز و حکومت کن را موفقاته عملی کند. اندیشه های ایجاد خراسان، فدرالی، زمینه سازی برای تقسیم بعدی افغانستان همه و همه در برنامه های پاکستانی میگذرد و عده از هموطنان ما ناخود آگاه قربانی سیاست شوم میشوند.

لذا به نحوی تأکید ده کجا و درختان به کجا و سیاست فتنه و فریب و دوکانه پاکستان منطق خویش را دارد و پاکستان دلایل و انگیزه های زمانیکه نوشته خیرخواهانۀ تحت عنوان (ده به کجا و درختان به کجا؟) مؤرخ ۲۰۱۳/۳/۱۹ برادر محترم محمد اکبر خوشبین را درمورد نوشته بر تفسیر بیت بوزینه از مولانا ابوالمعانی عبدالقادر بیدل (هیچ شکل بی هیولاقابل صورت نه شد - آدمی پیش از آن کادم شود بوزینه بود) از نظر میگذرانم و خواندم، به نوشتن سطور ذیل و ادارشدم.

دارد تا در قبال جهان و افغانستان صادق نباشد و عوامل برخورد پاکستانی چینی است و پاکستان چنین خواهد کرد که تا حال میکند.

و حال که این را گفتیم تصور پیدا میشود که دولت پاکستان قادر است در افغانستان صلح و یا جنگ را مسلط و قایم سازد؟

نه چنین نیست! پاکستان تنها حرکات خراب کاری خویش را کم کرد میتواند اما آنرا نیز بخاطر اینکه پرابلم خود چاق میشود کرده نمی تواند و نه خواهد کرد. لذا پاکستان از توانایی و درست باز خویش سخن میگوید تا امتیاز به دست آرد اما در عمل ناتوان است.

در پاکستان نیروهای جهادی موجود اند که در شرایط معین تحت تسلط و امکانات معین حاکمیت پاکستان زندگی دارند. این نیروها که اکثریت شان از مناطق پاکستان امروز اند و تعداد ممکن ربع آن از افغانان حیطه افغانستان امروز اند، مجبوریت های خویش را نیز دارند. پاکستان با ایشان معامله میکند و همان قسمیکه در تقویت اولی شان برای اهداف معین از جهان پول گرفت، حالال به فروش پرچون و یا عمده شان نیز از جهان پول می خواهد.

فروش عمده برای پاکستان حالا بخاطر مشکل شده که قسماً این نیروها از کنترل خارج شده اند و رهبری افق این حرکات جهانی از رهبری عمودی، به مفهوم حزب و سازمان متابعت ندارند. این حرکات جهادی ایدئولوژی و دستاویز خویش را به صورت عمده در سطح افقی تقریباً مستقل میگیرند. منابع تیوریک را خودنیز دارند که به آن عمل میکنند.

حاکمیت اصلی پاکستان (استابلشمنت، ای اس ای، اردو، ایجنسی پاکستان) در معامله و کنار آمدن با نیروهای جهادی موجود در پاکستان و منطقه مطرح کرده و میکند. ما نیروهای کافی نظامی (۱۴۰ الی ۱۶۰) هزار نیروی نظامی پاکستان در مناطق سرحدی بین افغانستان و پاکستان موجود داریم. اگر ما بین هم درگیر شویم هم برای شما مشکل است و هم برای ما. شما می خواهید بروید جهاد کنید. در افغانستان و بر ضد هند. ما شما را نمی بینم و شما مارا. در صورتیکه کاری برای ما انجام دهید و یا انفجاری بر ضد سفارت هند و یا اهداف هندی در افغانستان اجرا کنید برای مهمات و لوژیستیک نیز تهیه میداریم و بخش از دوستان شما را از زندان ها نیز خارج میسازیم. فرار زندان ها را نیز برای شما مهیا میسازیم و درین صورت توافق صورت میگیرد. جهاد و میدان کارزار جهادی وجود دارد و در امن هم هستیم.

اما اگر پاکستان درین راستا چنانچه در نشست سران کشور های افغانستان و پاکستان وعده شد که در ظرف شش ماه به نشست صلح با شورای کویته و اقدامات عملی صورت میگیرد. حالت خواهد شد که جهادی های افغانی و پاکستان در پاکستان دست از معامله اولی با حکومت پاکستان خارج شوند و اردوی پاکستان دست به گریبان با آنها شود. این حالت نیست که پاکستان خواهان آن باشد و این را پاکستان موفقاته کرده نمی تواند و درد سر برای پاکستان ایجاد میکند. آن هم در شرایط که هدف تاریخی پاکستان و «دیورندلین» نهایی نه شود. لذا پاکستان کماکان به سیاست دو رویه و فتنه ادامه خواهد داد و توقع دیگر از این غده سرطانی وجود ندارد.

پاکستان امکانات وسیع کدروی و دوسیه ای کامل اپراتیفی استخباراتی افراد مطرح افغانستان را که در دوره جهاد تهیه کرده است، در دست دارد و همین حالا میتواند هرکس را که خواسته باشد به طروق مختلف بدنام و حتی با مهارت و امکانات چندین دهه ای که دارد شامل لست های سیاه علنی و سری مراجع استخباراتی غربی کند و برای شان یجاد مشکل کند. تصادفی نیست که بخش از سیاست مداران ما در افاده های با پاکستان سخت محتاط اند. شواهد و تأثیرات آنرا حتی در اظهارات جناب اتمر درین نشست تلویزیونی به مشام میرسد.

افاده و جمله رئیس حزب مسلم لیک آقای شیخ ... درین نشست تلویزیونی افغانستان و پاکستان سازمان داده شده توسط طلوع نیوز و تلویزیون اکسپر پاکستان مبنی بر اینکه که از رازهای خبر دارند که اگر آنرا افشا کنند، خون زیادی خواهد ریخت... مطالب و سنگتال های اند که از قوت و امکانات پاکستان سخن میگویند و تصادفی نیست که بخش از سیاست مداران روی صحنه و در عقب صحنه و عقب سٹیج سیاسی افغانستان با سکوت و احتیاط تام در قسمت پاکستان میپردازند. این چه راز و یا رازها چه اند که پاش کردن آن سبب خون ریزی بیشتر در افغانستان خواهد شد؟ صحت و سقم این رازها را کی ثابت کرده خواهد توانست؟ سوالات اند که جواب آن با سوالات دیگر همراه میشوند.

مردم ما قربانی زیاد دادند و همیشه توسط افراد و حکام چالاک و فریب کار معامله شدند. الهی به حال این ملت رحم کنم.

وماعلینا الالبلاغ المبین -

پایان

۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸ تلیفون